

حقوق اعضای بدن در بیان شیوا و دلنشیں امام سجاد (ع)

زین العابدین حضرت امام سجاد (ع) در آغاز رساله حقوق پس از بیان حق الله و حق انسان برخودش ؛ در مقام بیان حقوق اعضای بدن چنین می فرماید :

فجعل لبصرك عليك حقا و لسمعك عليك حقا و للسانك عليك حقا و ليديك عليك حقا و لرجلك عليك حقا و لبطنك عليك حقا و لفرجك عليك حقا فهذه الجوارح السبع التي بها تكون الافعال .

ترجمه : پس خداوند متعال بر تو واجب کرده رعایت حق چشمتو و حق گوشت و حق زبانت و حق دستهایت و حق پایت و حق شکمت و حق عورتت را ؛ که این اعضای هفت گانه ، سبب افعال و اعمال تو میباشد و از این اعضا بعنوان وسیله ای برای رسیدن به امیال و آرزوهاست استفاده مینمایی .

و در ادامه به توضیح حقوق هر یک از این اعضای هفت گانه می پردازد :

۱- حق زبان

و اما حق اللسان فاکرامه عن الخنی و تعویده على الخیر و حمله على الادب و اجمامه إلا لموضع الحاجة و المنفعه للدین و الدنيا و اعفائه عن الفضول الشنعة القليله الفائده التي لا يؤمن ضررها مع قله عائدتها و بعد شاهد العقل و الدليل عليه و تزین العاقل بعقله حسن سيرته في لسانه و لا قوه الا بالله العلی العظیم .

ترجمه : اما حق زبانت بر تو آنست که از فحشا و منکرات دورش نگهداری و به گفتن کلمات خوب و نافع عادتش دهی و ودارش کنی که با ادب و خوب سخن گوید و از زیاد گفتن و بیخود چرخیدن در دهان منعش نمایی تا سکوت را رعایت کند مگر در جایی که نیاز به تکلم باشد و نفعی برای دنیا و آخرت داشته باشد و نگذاری سخنی که فایده و نفعی ندارد و جز ضرر و زیان حاصلی در آن متصور نیست؛ از دهان تو خارج شود بعد از آنکه عقل و نقل بر مضر بودن و بد بودن آن دلالت دارد ؛ زیرا که زینت عاقل به عقلش در خوبی گفتار و درست سخن گفتن است و حول و قوه ای نیست مگر به حول و قوه خداوند بزرگ .

۲- حق چشم

و اما حق بصرك فغضه عما لا يحل لك و ترك ابتذاله إلا لموضع عبره تستقبل بها بصرها او تستفيد بها علماء فإن البصر بباب الإعتبار

ترجمه: اما حق چشمت بر تو آنست که بر گردانی آنرا از چیزی که خداوند ترا از دیدن آن منع نموده است و بی جهت به هر طرف و هر چیز نظر نکنی؛ مگر در جایی که موجب پند و عبرتی باشد یا سبب بصیرت و بیداری گردد و یا علمی از آن استفاده شود زیرا چشم دروازه‌ی پند و عبرت گرفتن است.

۳- حق پا

و اما حق رجلیک فان لاتمشی بهما إلى ما لا يحل لك و لاتجعلهما مطيتك في الطريق المستخلف باهلها فيها فإنها حاملتك و سالكه بك مسلك الدين و السبق لك و لا قوه الا بالله.

ترجمه: اما حق پاهایت بر تو آنست که از آن به عنوان وسیله‌ای برای رفتن به طرف حرام استفاده نکنی و پا را مرکب در راهی که سبب استخفاف و زیونی تو می‌شود قرار ندهی؛ زیرا که این دو پا ترا حمل می‌کنند و سیر میدهند در مسیر دین و سبقت گرفتن در کارهای خوب و قوتی نیست مگر به قوت پرور دگار.

۴- حق دست

و اما حق يدك فان لاتسطتها إلى ما لا يحل لك فتناً بما تسطتها إليه من الله العقوبة في الآجل و من الناس بلسان اللائمه في العاجل؛ و لاتقبضها مما افترض الله عليها؛ ولكن توقرها بقبضها عن كثير مما لا يحل لها و بسطها إلى كثير مما ليس عليها؛ فإذا هي قد عقلت و شرفت في العاجل و جب لها حسن الثواب في الآجل

ترجمه: اما حق دست بر تو آنست که به سوی حرام دراز نشود زیرا سبب عقوبت و عذاب خداوند در آخرت و ملامت و سرزنش مردم در دنیا خواهد بود؛ و دستهایت را منع نکنی از چیزی که خداوند بر آن واجب نموده است. بلکه با استفاده‌ی صحیح و مشروع؛ دستهایت را موفر و بزرگ نما به این بیان که از تمام چیزهای که حرام است دورش نگهداری و برای بدست آوردن آنچه که مفید است باز و آزادش گذاری؛ پس در این صورت است که مورد احترام دیگران در دنیا و پاداش و اجر خداوند در آخرت قرار خواهی گرفت.

۵- حق شکم

و اما حق بطنك فان لاتجعله وعاء لقليل من الحرام ولا لكتير و ان تقتصد له في الحلال و لاتخرجه من حد التقويه الى حد التهويين و ذهاب المروه و ضبطه اذا هم بالجوع والظماء فان الشبع المنتهي بصاحبہ الى التخم مكسله و مثبله و مقطعيه عن كل بُرّ و كرم و إن الرى المنتهي بصاحبہ الى السكر مسخفة و مجھله و مذهبة للمروه.

ترجمه: اما حقی که شکمت بر تودارد پس از آن به عنوان ظرفی برای جمع شدن حرام چه کم باشد یا زیاد استفاده نکن؛ بلکه حتی در خوراکی های حلال نیز حد اعتدال را کاملا رعایت کن و برای تقویت از خوراک استفاده کن و هیچ وقت به فکر پر کردن شکم خودت تا حلقوم و نادیده گرفتن دیگران نباش و مروت و انصاف را فراموش نکن، زیرا که نتیجه‌ی پرخوری تبلی و کسالت است و تورا از خیر و صلاح و نیکویی و انجام اعمال صالحه باز میدارد؛ چنانکه نتیجه‌ی زیاده روی در نوشیدن مایعات نیز سخافت و جهالت و بی عقلی خواهد بود.

۷- حق عورت

و اما حق فرجک فحفظه مما لا يحل لك و الاستعانه عليه بغض البصر؛ فانه من اعون الاعوان و كثره ذكر الموت و التهدد لنفسك بالله و التخويف لها به و بالله العصمه و التاييد ولا حول ولا قوه الا به.

ترجمه: اما حق عورت؛ عبارت است از حفظ آن از حرام و برای آنکه بتوانی از حرام حفظش نمایی؛ چشمت را از حرام برگردان که چشم بسیار کمک کننده است و هم چنین زیاد به یاد مرگ باش و خودت را تهدید به عذاب خداوند کن و از خدا بترسان و دست نیاز به سوی خالق بی نیاز بلند نما و از او طلب کمک کن زیرا که حول و قوه‌ای نیست مگر به حول و قوه‌ی خداوند.

۷- حق گوش

و اما حق السمع فتنزیهه عن ان تجعله طریقاً إلی قلبک إلا لفوته کریمه تحدث فی قلبک خیر او تکسب خلقاً کریماً فإنہ باب الكلام إلى القلب يودی إليه ضروب المعانی على ما فيها من خیر او شر و لا قوه الا بالله.

ترجمه: اما حق گوش بر تو آنست که منزه ویاک کنی از اینکه راهی به سوی قلب تو باشد مگر برای شنیدن مطالب خوب و مفیدی که در قلب تو خیری ایجاد نماید؛ یا آنکه سبب کسب خلق نیکی گردد؛ زیرا گوش دروازه سخن به سوی قلب است و موجب انتقال انواع و اقسام معانی به قلب میباشد با تمام خوبیها یا بدیهای که در آن وجود دارد و قوت و قدرتی نیست مگر قوت و قدرت پروردگار.